

«احمدآباد»، مزرعه‌ای در حاشیه ارض اقدس



چند نما از تخریب و خیابان کشی محله احمدآباد در دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی



شود و در پی آن، نیمی از زمین های این مزرعه از مالک قبلی آن، حاج احمد رضا، فرزند حاج رضا ملک التجار، گرفته و به آستان قدس واگذار شود. در آن زمان پاکروان مدعی بود که این اراضی بخشی از مزرعه بزرگ الندشت است و طبق اسناد موقوفه‌ها به آستان قدس تعلق دارد، باین حال برخی از پژوهشگران ریشه این نزاع حقوقی را تلاش پاکروان برای به‌دست‌آوردن زمین‌های ملک آباد و اطراف آن می‌دانند. از اسناد چنین برمی‌آید که این مزرعه در ابتدای سده چهاردهم هجری قمری، به خاندان ملک التجار خراسان تعلق داشته که مالکیت بخش مهمی از اراضی این منطقه، از حوالی احمدآباد تا ملک آباد و نیز زمین‌های محدوده زکریا متعلق به آن‌ها بوده است. بعدها، پس از شهریور ۱۳۲۰ و در پی طرح دعای حقوقی خاندان ملک‌التجار، بخش‌هایی از اراضی مصادره‌شده از این خانواده در احمدآباد و منطقه زکریا به آن‌ها عودت داده و بخش اعظم آن‌ها از دست این خانواده خارج شد.

احمدآباد در مسیر توسعه

در جلد نهم کتاب «فرهنگ جغرافیای ایران»، اثر حاجلی رزم‌آرا که در سال ۱۳۲۹ خورشیدی منتشر شده است، دو مزرعه یا روستا به اسم «احمدآباد» در اطراف مشهد وجود دارد که منطقه مورد بحث ما، با شاخص جاده شوسه به وکیل آباد از روستای دیگر متمایز می‌شود. در این کتاب، احمدآباد چنین معرفی شده است: «حومه شهرستان مشهد؛ سر راه شوسه عمومی مشهد به وکیل آباد، جلگه، معتدل، سکنه؛ ۱۶۹، شیعه، فارسی، قنات، رودخانه، غلات، تریاک، میوه‌جات، شغل، زراعت و مال داری، راه اتومبیل رو؛ اداره دام پزشکی و اداره کشاورزی در آنجا قرار دارد،

مرضیه ترابی| ا احمدآباد، امروزه به عنوان یکی از محلات آباد و تقریباً مرفه نشین شهر مشهد شناخته می‌شود. قیمت زمین در آن بالاست و روز به روز هم بالاتر می‌رود اما کمتر از یک قرن قبل، احمدآباد روستا یا بهتر بگویم مزرعه‌ای در حاشیه شهر و بر کرانه راه شوسه منتهی به وکیل آباد بود که به خاطر باغ های مفرح و قنات و رودخانه فصلی اش شهرت داشت و قلعه‌ای موسوم به «قلعه دراز»، همه سکنه این مزرعه را که تعدادشان به ۱۷۰ نفر نمی‌رسید، در خود جا می‌داد. سخت است که باور کنیم در حافظه تاریخی اراضی امروزی احمدآباد، چنین تصویری وجود دارد، اما این واقعیت تاریخی کتمان پذیر نیست. در این گزارش می‌خواهم برایتان درباره پیشینه عجیب و متفاوت با امروز این محله پرزرق و برق بنویسم. امیدوارم تا پایان گزارش همراه ما باشید.

بخشی از زرگران قدیم

طبق گزارش برخی متون و اسناد تاریخی مزرعه احمدآباد که برخی از آن‌ها نام «روستا» یاد کرده‌اند، در محدوده‌ای میان زمین‌های مزرعه بزرگ الندشت و اراضی آباد روستای کهن سال آبکوه قرار داشت. مهدی سیدی در کتاب «جغرافیای تاریخی مشهد» محدوده این مزرعه و قلعه آن را جایی میان میدان احمدآباد فعلی تا سه‌راه راهنمایی کنونی می‌داند. اگر یادتان باشد در مطالعات مربوط به اراضی مزرعه «زرگران» گفتیم که این اراضی احتمالاً بین زمین‌های الندشت و آبکوه قرار داشت و چه بسا الندشت خودش بخشی از مزرعه زرگران بوده باشد. چنین به نظر می‌رسد که اراضی مزرعه احمدآباد نیز بخشی از زمین‌های زرگران بوده باشد که طی سده اخیر، هویت و موقعیتی مستقل پیدا کرده است، هرچندکه سندی از دوره صفویه درباره «تسعیر غله مزرعه احمدآباد» وجود دارد که البته نمی‌توان درباره انتساب آن به مزرعه احمدآباد مورد بحث ما، چندان مطمئن بود (سند شماره ۱۹۷۳۲ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی). به نظر می‌رسد قرار گرفتن اراضی احمدآباد در محدوده زمین‌های الندشت و زرگران باعث شده است در سال ۱۳۱۵ خورشیدی و در زمان نیابت تولیت فتح... پاکروان، مسئله ادعای مالکیت آستان قدس بر روی اراضی احمدآباد مطرح

روزی روزگاری مشهد

احمدآباد»، مزرعه‌ای در حاشیه ارض اقدس



در جنوب کال «قره‌خان» قرار داشت، ظاهراً بخشی از آب مورد نیاز هم از سیلاب‌های فصلی تأمین می‌شد که رزم‌آرا از آن با عنوان «رودخانه» یاد کرده است؛ هرچند که این تعبیر برای کال قره‌خان چندان دقیق نیست. محصول عمده این زمین‌ها در درجه اول گندم و جو، سپس خشخاش و تریاک بود. در قسمت‌های قبل درباره چرایی شیوع کشت خشخاش در اراضی مرغوب کشاورزی ایران توضیحاتی ارائه کرده‌ایم و در این بخش، از بیان مجدد آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم. بعد از واگذاری زمین‌های احمدآباد برای ساخت منزل، ابتدارغبت چندانی برای خانه‌سازی در این منطقه وجود نداشت؛ اما به تدریج و با گران شدن زمین‌های داخل شهر، خانه‌سازی در محدوده اراضی احمدآباد آغاز شد. وجود تعدادی از ادارات شهرستان مشهد در این منطقه، باعث اتصال آن به شبکه برق شهری شد که در نوع خود کم‌نظیر بود. طولی نکشید که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی، شبکه لوله‌کشی آب احمدآباد نیز تکمیل شد و این منطقه، طبق گزارش احمد ماهوان» در کتاب «تاریخ مشهد قدیم» در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به بخشی از شهر مشهد تبدیل شد و به سرعت مراحل ترقی را طی کرد و آباد شد. تا پیش از سرعت گرفتن فعالیت‌های عمرانی، تعدادی کارگاه صنعتی در محدوده احمدآباد فعال بود؛ مثلاً جایی در محدوده ابودرغفاری ۱۱، کارخانه ساخت شیشه بنا کرده بودند یا در ابودرغفاری ۷ کارخانه سنگ‌بری ساخته شده بود که به تدریج و با افزایش جمعیت، از این منطقه خارج شد.



فتح... پاکروان سال ۱۳۰۸ خورشیدی به‌عنوان وزیرمختار به اتریش، سپس ایتالیا فرستاده شد و در سال ۱۳۱۰ به مقام سفارت ایران در شوروی رسید. در سال ۱۳۱۳ خورشیدی به ایران بازگشته و مدتی بعد به مقام استانداری خراسان و تولیت آستان قدس رضوی به او داده شد. قیام مسجد گوهرشاد در زمان استانداری او رخ داد. او در ۱۲ دی ۱۳۲۰ خورشیدی از مقام استانداری و نیابت تولیت برکنار شد و به وزارت کشور رسید. در سوم خرداد ۱۳۲۱ خورشیدی هم به‌خاطر نقضش در سرکوب قیام گوهرشاد برکنار و بازداشت شد اما در نهایت برایش قرار منع تعقیب صادر کردند.

وقتی مردم ترکیه در خانه‌هایشان زندانی شدند



در ترکیه سرشماری شد و کسی حق نداشت از خانه خود خارج شود. این روزنامه به نقل از آسوشیتدپرس توضیح می‌دهد که «دیروز در سراسر خاک ترکیه سرشماری برای تعیین تعداد دقیق جمعیت آن کشور جریان داشت و تعداد دقیق جمعیت آن کشور جریان داشت و از ساعت ۵ صبح تا شب، مردم در خانه‌های خود ماند و اجازه نداشتند از خانه خارج بشوند. در نتیجه تنها کسانی که در خیابان‌های تریه دیده می‌شدند، مأموران سرشماری و عده‌ای طبیب بودند که پروانه مخصوص عبور به آن‌ها داده شده بود. از سال ۱۹۵۰ میلادی، این اولین مرتبه‌ای است که سرشماری عمومی در ترکیه انجام می‌شود. در سال ۱۹۵۰ میلادی، جمعیت ترکیه بالغ بر ۲۰ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر بود و مقامات رسمی احتمال می‌دهند که در این اثنا در حدود ۲ میلیون نفر، بر تعداد جمعیت کشور افزوده شده باشد. نکته جالب این است که کلیه اتباع ترکیه و بیگانگان مقیم آن کشور دیروز ملزم بودند به پرسش‌های مأموران سرشماری پاسخ بدهند و اگر از این کار امتناع می‌کردند، جریمه می‌شدند.»

درباره ۲۷ آبان سال ۱۳۳۴ خورشیدی و ممنوع شدن کشت خشخاش در ایران

خراسان وزمین‌هایی که محصولشان خاتمان سوز بود



سیدی| حدود هشتاد سال پیش قانون مبارزه باکشت خشخاش در مجلس شورای ملی تصویب و پس از آن، کاشت خشخاش در خاک ایران ممنون شد. یکی از دلایل این مسئله هم رواج بی‌رویه مصرف تریاک در میان ایرانیان بود. جالب است بدانید که تا پیش از تصویب این قانون در ۲۷ آبان سال ۱۳۳۴ خورشیدی، کشت تریاک یا همان گل خشخاش در ایران، به‌ویژه در خراسان و مشهد، بسیار متداول بود. در کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد» آمده است: «کاشت خشخاش از دوره قاجار در خراسان مرسوم شد و به‌مرور رواج یافت.»

تامسون، ژنرال کنسول مشهد، نیز در یادداشت‌های خود آورده است که تا چند سال پیش در خراسان تنها مقدار بسیار محدودی تریاک -آن هم برای مصرف خانگی- به عمل می‌آمد اما در زمان گزارش وی (بین سال ۱۸۹۳ و ۱۸۹۲ میلادی) این محصول به‌منظور صادرات کشت می‌شده و بدین سبب در همه‌جای خراسان مزرعه‌های خشخاش به چشم می‌خورده است. آن‌چنان‌که در بسیاری از زمین‌های کشاورزی اطراف شهر تریاک‌کاری می‌شد؛ گویا این کار تا سال‌ها ادامه می‌یابد مثلاً در گزارشی که از سال ۱۲۹۴ خورشیدی باقی مانده، آمده است که در مزرعه گودسلوک تریاک کاشته می‌شده است.

اماعلی نجف‌زاده، پژوهشگر، علل متعددی برای افزایش کشت خشخاش در اطراف مشهد ذکر کرده است که یکی از آن‌ها، مصرف کم آب در کشت خشخاش نسبت به دیگر محصولات است؛ در خراسان متداول بوده است که زمین غله را یک بار پیش از بذرافشاندن و سه تا چهار بار در بهار آبیاری می‌کردند. پنبه زارها یک بار پیش از کشت و هفت بار در دوران نشو و نما آبیاری می‌شده‌اند ولی خشخاش تا لحظه برداشت محصول یک یا دو بار آب می‌خورده است.
سوی این‌ها، ارزش اقتصادی تریاک از لحاظ تجاری بالابود بازار صادراتی خوبی نیز داشت. مقاوم بودن خشخاش در مقابل آفت‌هایی چون ملخ، یکی دیگر از علل گرایش به کشت این محصول بود. از بین زراعت‌ها نیز خشخاش از شرمخ درامان بود. برای نمونه، در سال ۱۳۱۰ خورشیدی که ملخ به مزارع خراسان زد و به صورت گسترده محصولات و غلات کشاورزی را خورد، خشخاش از آفت آن در امان ماند و کشاورزانی که خشخاش کاشته بودند، آن سال زیان مالی کمتری دیدند. در کنار این مزیت‌ها، آلوده شدن مردم به استعمال تریاک و افزایش و خششتک معتادان در نهایت هیئت‌دولت را بر آن داشت تا ممنوعیت کشت خشخاش را در پاییز سال ۱۳۳۴ خورشیدی اعلام کند. جالب است بدانید که پیش از تصویب این قانون توسط هیئت‌دولت، منع کشت خشخاش به فکر مسئولان تیمارستان مشهد رسید. آنان تصمیم گرفتند تا این محصول تنها برای بیماران تیمارستان خریداری شود. در ادامه با مساعدت رئیس جمع‌آوری تریاک، ۴۰۰ هزار تومان خشخاش برای مصرف تیمارستان جمع‌آوری شد؛ باین همه کشت خشخاش برای همیشه ممنوع نشد و با توجه به نیاز دارویی جامعه به آن، کاشت این محصول، هر چند سال یک بار رواج می‌یافت و شدت می‌گرفت. برای مثال خشخاش، بعد از یک دوره ممنوعیت، بار دیگر در سال ۱۳۴۸ خورشیدی دوباره رواج یافت و کشت آن آزاد شد. ناگفته‌نمانند خراسان به دلیل کم‌آبی همیشگی، از جمله مناطقی بود که محور کاشت خشخاش را داشت و کشاورزان می‌توانستند از طریق کاشت این گل، کسب درآمد کنند. طبق گزارش ۱۳۴۸ دی ۱۳۴۸ خورشیدی، مساحت کشت خشخاش در سال ۱۲۰۱۳۵۰ هزار هکتار در سراسر کشور اعلام شد که ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار آن در خراسان بود؛ باین همه ابتلای شدید خراسانی‌ها به تریاک در نهایت کاشت آن در خراسان را هم ممنوع کرد. دکتر قاسم‌رسا، ملک‌الشعراي آستان قدس رضوی، در زمان اجرای این قانون شعری سروده که ابیاتی از آن چنین است: «مژه‌ای دل که جوان ملک کهن خواهد شد/ کشت خشخاش در ایران غدغن خواهد شد/ بیکر ملت افسرده و رنجور و فقیر/ راحت از بار غم و رنج و مخن خواهد شد/ فقر و بیچارگی و سستی و بیمان‌شکنی/ دور از این جامعه عهدشکن خواهد شد/ آفت خانه برانداز و بولای دل و جان/ دور از جان جوانان وطن خواهد شد/ چهره زرد و قورقرته و پرمرده ما/ سرخ و شاداب چو گل‌های چمن خواهد شد.»

اخبار قدیمی

باریکی معابر و مشهدی‌هایی که زمین

برای خیابان‌کشی نمی‌دادند



کوچه‌های تنگ و باریک مشهد قدیم خودشان را هنوز برای حضور اتومبیل‌ها آماده نکرده بودند که استقبال از اتول‌ها در کنار حضور درشکه‌ها، معابر را شلوغ کرد. این باریکی معبر پس از مدت کوتاهی موجب بروز حوادث بسیاری شد. شهرداری از حجره‌داران مالک حاشیه معبرها درخواست عقب‌نشینی می‌کند تا بر عرض خیابان‌هایش بیفزاید اما گویا از این موضوع نیز استقبال نمی‌شود، آن‌چنان‌که روزنامه آزادی در پاییز ۱۳۰۵ خورشیدی، پس از بروز یک تصادف و مجروح شدن دو عابر پیاده، چنین می‌نویسد: «با وجود مراقبت‌های کامله مأمورین، پلیس در این چند روز اخیر، به واسطه بی‌مبالائی شوفر و سورچی‌ها آقای میرزا ابوالقاسم خان نصیری، عضو بلدیه، و یک طفل شش ساله در دو نقطه دچار صدمه درشکه و اتومبیل شده، شدیداً مجروح گردیده‌اند. باین خیابان‌ها کوچه‌های تنگ و این فزونی و کثرت تردد اتومبیل و درشکه، عدم مواظبت و خودسری شوفرها و سورچی‌ها باعث زحمت و صدمه اهالی است، حالاکه به واسطه چهل مردم که یک ذرع زمین را از خود و همونوع خود دوست‌تر داشته و مانع وسعت معابر می‌باشند و اقدام اساسی اشکال دارد، خوب است اداره نظمیه حدی برای درشکه و اتومبیل معین نموده، رانندگان را ملزم به اطاعت نمایند.»

عجیب اما واقعی